

The mediating role of parent involvement in relationship between Shame of having a child with learning disability and Academic Performance in Students with learning disabilities

Zahra Naghsh  *

Assistant Professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.

Zahra Ramezani
Khamsi 

MA, Educational Psychology, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

Samira Vakili 

Assistant Professor, Department of Psychology and Education of Exceptional Children, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Parental involvement at home is essential for the learning and success of children with learning disabilities. The purpose of the present study was to investigate the mediating role of parent participation in the relationship between the shame of having children with learning disabilities and the performance of students with learning disabilities. 140 students with learning disabilities were selected from all pupils of Tehran's primary school by the available sampling method. In this study, the Parental Involvement Scale of Olson Barnes (1992) was used to investigate parents' participation and the Parent's Attitude Scale (GOODNER, 2002) was used to investigate the shame of having a child with a learning disability. The results showed that the shame of having a child with a learning disorder has a direct and significant effect on the performance of students with learning disabilities and the effect of parent involvement on the performance is direct and significant ($p < 0.05$). The more positive the parents' attitude towards their

* Corresponding Author: z.naghsh@ut.ac.ir

How to Cite: Naghsh, Z., Ramezani Khamsi, Z., Vakili, S. (2022). The mediating role of parent involvement in relationship between Shame of having a child with learning disability and Academic Performance in Students with learning disabilities, *Journal of Psychology of Exceptional Individuals*, 12(46), 1-22.

children, the more their involvement and participation in home and school activities will be. Also, the shame of having a child with a learning disorder has a significant effect on the student's performance due to the parents' participation. The model has a good fit and 17% of students' performance variance is explained by the research variables.

Keywords: Parental Involvement, Shame of Having a Child with Learning Disabilities, Performance.




نقش واسطه‌ای مشارکت والدین در رابطه شرم از داشتن فرزند با اختلال یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری


استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

زهرا نقش  *

کارشناس ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران.

زهرا رمضانی خمسی 

استادیار گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سمیرا وکیلی 

چکیده

مشارکت والدین در خانه در خصوص یادگیری و موفقیت کودکان با اختلال یادگیری از عوامل ضروری است. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای مشارکت والدین در رابطه بین شرم از داشتن فرزند با اختلال یادگیری و عملکرد دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری است. ۱۴۰ دانش‌آموز با اختلال یادگیری از کلیه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. در این پژوهش از مقیاس مشارکت والدین اولسون بارنز (۱۹۹۲) به منظور بررسی مشارکت والدین و مقیاس نگرش والدین گوندر (۲۰۰۲) به منظور بررسی شرم از داشتن فرزند با اختلال استفاده شد. نتایج نشان داد که شرم از داشتن فرزند با اختلال یادگیری اثر مستقیم و معنادار بر عملکرد دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری دارد و اثر مشارکت والدین بر عملکرد نیز مستقیم و معنادار بوده است ($p < 0/05$). هر چه نگرش والدین نسبت به فرزندان خود مثبت باشد به همان اندازه درگیری و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های خانه و مدرسه بیشتر خواهد بود. همچنین شرم از داشتن فرزند با اختلال یادگیری به واسطه مشارکت والدین بر عملکرد دانش‌آموزان تأثیر معنادار دارد. مدل برازش خوبی داشته و ۱۷ درصد از واریانس عملکرد دانش‌آموزان توسط متغیرهای پژوهش تبیین شد.

کلیدواژه‌ها: مشارکت والدین، شرم از داشتن فرزند با اختلال یادگیری، عملکرد تحصیلی.

مقدمه

کودکان زیادی هستند که علی‌رغم فقدان هرگونه مشکلات جسمانی و عاطفی از دشواری‌های شدید یادگیری رنج می‌برند. گاهی اوقات چنین کودکانی به‌عنوان بیش‌فعال، دارای کژکاری یادگیری-مغزی، آسیب مغزی خفیف، نارسا خوان یا مبتلا به معلولیت ادراکی برچسب می‌خورند (فرامرزی و همکاران، ۱۳۹۲). هنگام انجام تحقیقات در زمینه ناتوانی یادگیری^۱، قبل از هر چیز لازم است واژه ناتوانی‌های یادگیری را تعریف کنیم زیرا تعریف این اصطلاح در کشورهای مختلف متفاوت بوده است. بر اساس سیستم طبقه‌بندی بین‌المللی (ICD-10)، اصطلاح LD بر اساس اختلالات رشدی خاص سه مهارت تعریف شده است: (الف) خواندن خاص اختلال (نارساخوانی)، (ب) اختلال املایی خاص و (ج) اختلال خاصی در مهارت‌های حسابی (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۵). به‌طور کلی می‌توان گفت، دانش‌آموزی دارای ناتوانی یادگیری است که: دارای بهره هوشی متوسط و بالاتر است، از نظر حواس مختلف (بینایی و شنوایی و...) سالم است، از امکانات محیطی و آموزشی نسبتاً مناسبی برخوردار است، مشکل رفتاری حاد ندارد، از نظر پیشرفت درسی با توجه به سن و هوش از سایر همسالان خود عقب‌تر است، دچار حواس‌پرتی و فراموشی جزئیات مهم درس است، عدم هماهنگی چشم و دست در حرکات وی مشهود است، اعتمادبه‌نفس او پایین است، کارها را به تأخیر می‌اندازد و برای اتمام آن‌ها انگیزه‌ای ندارد. کودکان با ناتوانی‌های یادگیری علاوه بر مشکلات تحصیلی، با چالش‌هایی در حوزه‌های اجتماعی، عاطفی و رفتاری نیز مواجه می‌شوند (کافی و همکاران، ۲۰۱۳ و شمیم، ۲۰۱۲). این دانش‌آموزان در مقایسه با همسالان مهارت‌های اجتماعی پایین‌تر و مشکلات رفتاری و عاطفی بیشتری نشان می‌دهند (جمشیدی و نراقی^۲، ۲۰۰۵؛ سلیمانی، زاهد و فرزانه^۳، ۲۰۱۱؛ ملهوترا و همکاران^۴، ۲۰۱۱).

1. learning disabilities

2. Jamshidi A, Naraghi M.

3. Soleymani S, Zahed Babolan A, Farzaneh J, Setoudeh MB

4. Mehrotra K, Manzur S, Oil YP, Lim CG, Fung DSS, Ang RP.

عمده‌ترین ویژگی‌های دانش‌آموزان با اختلال یادگیری از نظر عملکرد تحصیلی: کارکرد تحصیلی پایین از حد انتظار، سرعت کم در یادگیری، پیشرفت کند، تکرار پایه‌های تحصیلی، تفاوت بین سطح یادگیری در دروس مختلف، نداشتن انعطاف در استفاده از راهبردهای آموزشی، تفاوت قابل توجه بین توانایی‌ها و مهارت‌ها و کوتاهی دامنه توجه است (عاشورایی و جلیل آبکنار، ۱۳۹۲؛ نقش و همکاران، ۱۳۹۶). دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری به‌طور مداوم و مکرر شکست تحصیلی را تجربه می‌کنند (آرچر^۱، ۲۰۰۳) که این امر به‌نوبه خود منجر به کاهش عزت‌نفس و ترک تحصیل آن‌ها خواهد شد و لطمات جبران‌ناپذیری از نظر روانی و اقتصادی به کودک و خانواده و نظام آموزش و پرورش وارد خواهد کرد (بیراوند، ۱۳۸۶).

یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در مراحل اولیه شکل‌گیری کودکان، خانواده است. خانواده با ایجاد یک محیط ایمن از نظر عاطفی برای فرزندان، محرک‌های شناختی و عاطفی برای آن‌ها فراهم کرده و نقش مهمی در رشد شناختی کودکان دارند (هرمن، تایلر، والستون و بارکین^۲، ۲۰۱۷). لیوا و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و مشارکت والدین در رابطه بین وضعیت اجتماعی-اقتصادی والدین و مهارت شناختی کودکان پرداختند. نتایج نشان داد کودکان از خانواده‌های دارای وضعیت اجتماعی-اقتصادی^۳ بالاتر (SES)، مهارت شناختی بالاتری داشتند. همچنین، خودکارآمدی والدین (PSE) و مشارکت والدین در این رابطه نقش واسطه‌ای دارد. در کودکان با اختلالات یادگیری رفتار والدین و معلمان آن‌ها بسیار مهم است. زیرا اغلب این کودکان علیرغم داشتن هوش طبیعی دچار مشکلات مختلفی هستند (گیلات و شاور^۴، ۲۰۰۷). والدین کودکان استثنایی از هنگامی که متوجه معلولیت و نقص فرزندشان می‌شوند، واکنش‌های متفاوتی را از خود نشان می‌دهند که از ناامیدی و یأس و انکار گرفته تا مواجهه منطقی با مسئله و تصمیم‌گرفتن بر کمک و یاری‌رساندن به فرزندشان در ادامه

1. Arthure
2. Heerman, Taylor, Wallston, Barkin
3. Socio-economic status
4. Gillat O, Shaver P

مسیر زندگی و موفقیت در آن را به دنبال دارد (کشاورز، ۱۳۹۱). یکی از متغیرهای موردبررسی در این پژوهش که بر عملکرد دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری تأثیر می‌گذارد، مشارکت خانواده می‌باشد. مشارکت، در ارتباط خرده نظام خانواده با دیگر خرده نظام‌های مؤثر در رشد کودک نقش مهمی دارد و بر پیامدهای تحصیلی و انگیزشی دانش‌آموزان مؤثر و مفید است (برونفن برنر، ۱۹۹۴).

مطالعات متعدد نشان داده‌اند که مشارکت والدین^۱ در منزل برای مثال، کمک در انجام تکلیف کودک، کمک در آماده شدن برای آزمون و یادگیری آن‌ها، در عملکرد کودکان با اختلال یادگیری بسیار مهم است (دسفرگ و ابوچر^۲، ۲۰۰۳؛ امرسون، فیبر، فاکس و ساندر^۳، ۲۰۱۲؛ هتی^۴، ۲۰۰۹؛ ایزو، ویسبرگ، کسپرو و فندریچ^۵، ۱۹۹۹؛ شاکر^۶، ۲۰۰۸؛ شلدون و اپستاین^۷، ۲۰۰۵؛ باتنر و هاسلهورن^۸، ۲۰۱۱). باین حال، باید اشاره کرد که اکثر مطالعات موجود به بررسی مشارکت والدین در کودکان بدون اختلال یادگیری متمرکز بوده‌اند و کودکان با اختلال یادگیری کمتر موردتوجه قرار گرفته‌اند (گروه روان‌شناسی آموزشی دانشگاه هگن، ۲۰۱۶).

برخی شواهد از خانواده‌های کودکان بدون اختلال یادگیری نشان داده است که پدر و مادر این کودکان ممکن است انگیزه کافی برای کمک به فرزندان خود در خانه نداشته باشند (گروولیک، بنجت کرووسکی و اپوستولریس^۹، ۱۹۹۷). در پژوهشی که توسط دومونت، ترووین، ناجی و ناجنست^{۱۰} (۲۰۱۴) انجام گرفت، کیفیت مشارکت و مشارکت والدین در انجام تکلیف (به‌عنوان مثال، ساختار، کنترل و پاسخ) پیش‌بینی‌کننده

-
1. parental involvement
 2. Desforges,, Abouchaar
 3. Emerson, Fear, Fox & Sander
 4. Hattie
 5. Izzo, Weissberg, Kaspro & Fendrich
 6. Sacher
 7. Sheldon, & Epstein
 8. Büttner & Hasselhorn
 6. Grolnick, Benjet, Kurowski, & Apostoleris
 00. Dumont, Trautwein, & Nagengast

نقش واسطه‌ای مشارکت والدین در رابطه شرم از داشتن فرزند با...؛ نقش و همکاران | ۷

پیشرفت خواندن دانش آموزان بود. کودکان با اختلالات یادگیری نسبت به همسالان بدون اختلال ممکن است نیاز به کمک بیشتری از طرف پدر و مادر خود داشته باشند (فررل^۱، ۲۰۱۲). پدر و مادری که فرزندان با اختلال یادگیری دارند در مقایسه با سایر والدین در فعالیت‌های مربوط به مدرسه فرزندان خود کمتر درگیر می‌شوند، زیرا آن‌ها در انجام این کار کمتر احساس مؤثر بودن می‌کنند، زمان و دانش خود را محدود می‌دانند و احساس می‌کنند کمتر از طرف مدرسه حمایت می‌شوند (راجرز، وینر، مارتون و تانوک^۲، ۲۰۰۹، به نقل از نقش و همکاران، ۱۳۹۶).

این نتایج متناقض صرفاً به وضعیت کودکان غیر اختلال یادگیری که ممکن است احتمالاً متفاوت از کودکان با اختلال یادگیری باشند مربوط می‌شود. باوجود این واقعیت، ما شرم والدین از داشتن فرزند با ناتوانی یادگیری^۳ را در مدل خود وارد می‌کنیم. شرم والدین یکی از مواردی است که بر عملکرد دانش آموزان و مشارکت والدین دانش آموزان دارای اختلال یادگیری تأثیرگذار است. شرم، از جمله هیجان‌هایی است که با آسیب‌های فردی و میان فردی مرتبط است. انسان در دامنه‌ای از موقعیت‌های روزمره احساس شرم را تجربه می‌کند، چه از تجربه این احساس دردناک آگاه باشد و چه آن را به‌طور ناخودآگاه تجربه کند. هنگامی که عباراتی مانند احساس خجالت، پایین بودن عزت‌نفس، کم‌رویی، احساس مسخره بودن، خواری و خفت، دستپاچگی، رسوایی، ننگ، فضاحت، بدنامی، بی‌حرمتی، خرد شدن و بی‌آبرویی را استفاده می‌کنیم در واقع به‌نوعی، احساس شرم خود را بیان می‌کنیم (پور شهریاری، ۱۳۸۸).

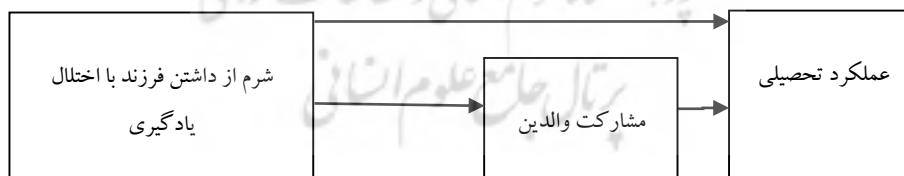
شرم و گناه بسیار گسترده است و به‌عنوان احساسات خودآگاه در نظر گرفته می‌شود. برخی از والدین، اختلال یادگیری کودکان را پنهان می‌کنند که در حقیقت نوعی احساس شرم یا گناه به نظر می‌رسد. والدین کودکان معلول ممکن است برخی از مشکلات خاص را نسبت به سایر والدین تجربه کنند. به‌عنوان مثال، والدین کودکان معلول ممکن است از

1. Ferrel

2. Rogers, Wiener, Marton, & Tannock

3. Shame of having a child with learning disability

یک احساس شرم رنج بیرند (تانگنی استاونینگ و ماشک^۱، ۲۰۰۷). ریچاردسون و فولتن^۲ (۲۰۱۱)، گزارش کرده‌اند که والدین این کودکان بیشتر از سایر والدین از نظر روش‌های تربیتی موردانتقاد قرار می‌گیرند. علاوه بر این، آن‌ها احساس می‌کنند از طرف سایر والدین طرد می‌شوند و یا از سایر والدین خجالت می‌کشند (گری، ۲۰۰۲). در نتیجه، موقع مشارکت با فرزندان خود در خانه، می‌توان انتظار داشت که این والدین سعی کنند تجارب منفی خود (به‌عنوان مثال، احساس شرم) با استفاده از راهبرد کنترل به‌منظور حمایت از فرزندان خود و به‌منظور انجام بهتر تکالیف مدرسه و جلوگیری از اینکه توسط دیگران موردانتقاد قرار گیرند انتقال دهند. برای مثال، میلز و همکارانش نشان داده‌اند که شرم والدین باعث افزایش احتمال کنترل روانی در آن‌ها می‌شود (میلز و همکاران، ۲۰۰۷)؛ بنابراین، ما فرض می‌کنیم که والدینی که احساس شرم از داشتن فرزندی با اختلال یادگیری دارند ممکن است به‌احتمال بیشتری یک آموزش کنترل‌شده در خانه داشته باشند. در مقابل، والدینی که احساس شرم کمتری دارند، به‌احتمال بیشتری یک آموزش ساختارمند فراهم می‌کنند. علاوه بر این، با توجه به حمایت تجربی محدود، انتظار داریم که شرم والدین باید با سطح مشارکت آن‌ها ارتباط داشته باشد. با توجه به آنچه گفته شد هدف پژوهش حاضر، بررسی شرم از داشتن فرزند با اختلال یادگیری در عملکرد تحصیلی کودکان مبتلا به اختلال یادگیری و به‌ویژه بررسی نقش واسطه‌ای مشارکت والدین است. لذا مدل مفهومی در نظر گرفته‌شده در این پژوهش به شکل زیر است:



شکل ۱: مدل مفهومی در نظر گرفته‌شده برای برآزش

1. Tangney, Stuewig, Mashek
2. Richardson, K., & Fulton, R

روش شناسی

طرح این تحقیق از نوع طرح‌های غیرآزمایشی و به‌طور دقیق‌تر همبستگی از نوع تحلیل مسیر است. جامعه این پژوهش را تمامی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران تشکیل می‌دهند که به دلیل مشکلات یادگیری به مراکز اختلالات یادگیری شهر تهران در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹ مراجعه کرده بودند و با بررسی دانش‌آموزان توسط مقیاس و کسلر ۴ دارای مشکل اختلال در یادگیری شناسایی شدند. از میان این دانش‌آموزان ۱۴۰ نفر به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شدند که این تعداد به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. با توجه به محدودیت‌های اجرایی، جنسیت آزمودنی‌ها مورد توجه قرار نگرفت؛ و از هر دو جنس دختر و پسر در نمونه حاضر پرسشنامه جمع‌آوری شد (۸۰ پسر و ۶۰ دختر)، میانگین سن آزمودنی‌ها ۱۱ سال و ۴ ماه بوده است. ملاک‌های ورود دانش‌آموزان به نمونه شامل موارد زیر بود: دریافت رضایت‌نامه کتبی از والدین جهت شرکت در پژوهش، داشتن هوشبهر عادی، عدم مصرف داروهای روان‌پزشکی، نداشتن مشکلات حسی و حرکتی قابل توجه، تک‌زبانه بودن، عدم سابقه مردودی، تحصیل در مقطع ابتدایی در مدارس عادی آموزش و پرورش. همچنین، ملاک‌های خروج شرکت‌کنندگان از پژوهش شامل عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و مصرف داروهای روان‌پزشکی بود.

ابزار پژوهش

مقیاس مشارکت والدین اولسون بارنز^۱ (۱۹۹۲): برای ارزیابی درک دانش‌آموزان از روند مشارکت پدر و مادر در امور تحصیلی آنان می‌باشد که شامل ۱۸ سؤال است. این مقیاس در سال ۱۹۹۲ توسط بارنز و اولسون^۲ ساخته شد. نمره‌گذاری این مقیاس به روش لیکرت و در ۶ درجه از (کاملاً موافقم) تا (۰ کاملاً مخالفم) رتبه‌بندی می‌شود. لویزر و همکاران (۱۹۹۳) میزان روایی و پایایی این مقیاس را به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۸۷ به دست آوردند. اولسون و بارنز (۱۹۹۲)، در پژوهش خود، ضرایب پایایی پرسشنامه را با استفاده از روش

1. Parental Involvement Scale of Olson Barnes

2. Olson Barnes

آلفای کرونباخ، ۰/۷۷ و ۰/۸۰ گزارش کردند؛ و در پژوهش حاضر مقدار ضرایب پایایی پرسشنامه با روش آلفا کرونباخ ۰/۷۸ و ۰/۸۲ به دست آمد.

مقیاس نگرش والدین نسبت به فرزند دارای نیازهای ویژه‌شان (APSNCS)^۱: این مقیاس اولین بار توسط گوندر^۲ (۲۰۰۲) ساخته شد. گویه‌های این مقیاس از بسط و گسترش گویه‌های مقیاس نگرش والدینی شفر^۳ و بل^۴ به دست آمده است. گوندر (۲۰۰۲)، ابتدا این مقیاس را به زبان ناتالی^۵ ترجمه نمود و پس از تهیه اولیه ابزار، آن را در یک جمعیت روستایی هنجاریابی کرد. گویه‌های این پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد رفتار، ادراک، تعامل، ارزش‌ها و احساس‌های والدین در رابطه با کودک دارای نیازهای ویژه‌شان آماده شده است که در مطالعه گوندر (۲۰۰۲) و در این مطالعه به‌عنوان نگرش تعریف شده است. این ابزار دارای ۵ خرده مقیاس پذیرش و محبت^۶ (۸ گویه)، شرم‌زدگی^۷ (۳ گویه)، ناکامی^۸ (۳ گویه)، ناامیدی^۹ (۳ گویه) و حمایت افراطی^{۱۰} (۷ گویه) است. این پرسشنامه برای کودکان کم‌توان ذهنی تدوین شده است اما از آنجاکه محتوا و قالب گویه‌ها در حدی کلی است که در مورد گروه‌های مختلف کودکان با نیازهای ویژه نیز قابل استفاده است، از این رو در این پژوهش با اندکی تغییر و ویرایش شکلی گویه‌ها، بر روی والدین گروه‌های مختلف کودکان با نیازهای ویژه اجرا شد. طیف گزینه‌های این مقیاس از نوع لیکرت ۵ گزینه‌ای و از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می‌باشد. کاملاً موافقم نمره ۵ گرفته و کاملاً مخالفم نمره ۱ می‌گیرد. گویه‌هایی که به شیوه‌ی منفی نمره گذاری می‌گردند، عبارت‌اند از ۲۰ و ۱۹، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲. نمره‌ی بیشتر

1. Attitudes of Parents with Special Needs Child towards Their Children Scale
2. Govender
3. Schaefer
4. Bell
5. Zulu Language
6. Love and Acceptance
7. Embarrassment
8. Frustration
9. Disappointment
00. Overprotection

نشان‌دهنده‌ی نگرش مثبت تر است.

متغیر ملاک پژوهش نیز عملکرد تحصیلی است که با جمع‌آوری داده‌های مربوط به معدل پایان‌ترم دانش‌آموزان مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای ۲۴ spss و 8.2 lisrel انجام گرفته است.

یافته‌ها

در جدول ۱، مشخصه‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و در جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش نشان داده شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
۱. عملکرد	۱۴/۶۱	۰/۷۶	۰/۱۰۵	۰/۵۳
۲. مشارکت مادر	۳/۴۹	۰/۸۷	۰/۱۰۶	۰/۲۵
۳. مشارکت پدر	۲/۵۷	۰/۷۹	۰/۲۶	۰/۲۴
۴. شرم	۴/۷۵	۲/۲۴	۰/۲۴	۰/۵۷

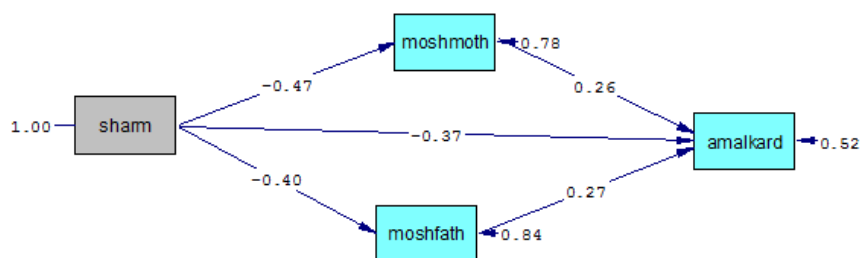
جدول ۲. همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳
۱. عملکرد	۱		
۲. مشارکت مادر	**۰/۵۷۰	۱	
۳. مشارکت پدر	**۰/۵۹۸	**۰/۵۵۶	۱
۴. شرم	**۰/۵۸۷	**۰/۴۷۲	**۰/۴۰۴

** همبستگی معنادار در سطح ۰/۰۱

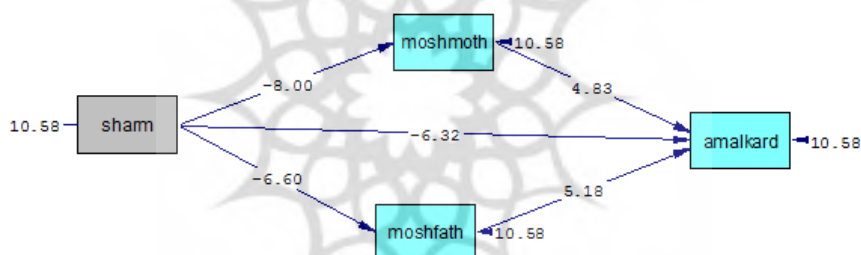
همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود رابطه متغیر شرم والدین با مشارکت مادر، مشارکت پدر و عملکرد دانش‌آموزان در سطح ۰/۰۱ منفی و معنادار است. مشارکت مادر و پدر نیز رابطه مثبت و معناداری در سطح ۰/۰۱ با عملکرد دانش‌آموزان دارد. به‌منظور بررسی نقش مشارکت والدین در رابطه بین شرم از داشتن فرزند با اختلالات یادگیری و عملکرد تحصیلی از طریق مدل تحلیل مسیر و به کمک نرم‌افزار لیزرل، مدل مورد آزمون

قرار گرفت که نتایج در جدول و نمودارهای زیر نشان داده شده است. با توجه به نرمال بودن داده‌ها از روش حداکثر احتمال^۱ (ML) در اجرای مدل استفاده شد.



شکل ۲. ضرایب مسیر استاندارد مدل

sham=شرم والدین، moshmoth=مشارکت مادر، moshfath=مشارکت پدر و amalkard=عملکرد



شکل ۳. مقادیر t مدل

شکل ۲. ضرایب مسیر استاندارد و شکل ۳. مقادیر t را در اجرای مدل با نقش واسطه‌ای مشارکت مادر و پدر در رابطه بین شرم والدین و عملکرد دانش‌آموزان نشان می‌دهد. نتایج آزمون سوبل نشان داد که اثر غیرمستقیم شرم والدین بر عملکرد دانش‌آموزان با واسطه مشارکت مادر (۰/۱۲-) و همچنین مشارکت پدر (۰/۱۰-) معنادار است و مشارکت مادر و پدر نقش واسطه‌ای بین شرم و عملکرد دانش‌آموزان دارند. جدول ۳ ضرایب اثرات غیرمستقیم و کلی را برای مدل پیش‌بینی عملکرد تحصیلی نشان می‌دهد.

نقش واسطه‌ای مشارکت والدین در رابطه شرم از داشتن فرزند با...؛ نقش و همکاران | ۱۳

جدول ۳. برآورد ضرایب اثرات غیرمستقیم و کل

اثرات کل		اثرات غیرمستقیم		مسیرها
t	پارامتر استاندارد شده (خطا)	t	پارامتر استاندارد شده (خطا)	
۵/۹۱	-۰/۴۹ (۰/۰۱)	۲/۹۱	-۰/۱۲ (۰/۰۱)	مشارکت مادر
۵/۳۳	-۰/۴۷ (۰/۰۳)	۲/۳۳	-۰/۱۰ (۰/۰۳)	مشارکت پدر

اثر شرم از داشتن فرزند با اختلافات یادگیری بر روی عملکرد به واسطه

در این مدل عملکرد دانش‌آموزان ۳۷٪، مشارکت مادر ۲۲٪ و مشارکت پدر ۱۶٪ تبیین شده است.

جدول ۴ شاخص‌های برازندگی مدل اجرا شده را نشان می‌دهد.

جدول ۴: شاخص‌های برازندگی مدل‌ها

CFI	AGFI	GFI	RMSEA	χ^2/df	df	χ^2	شاخص‌های برازش
۰/۹۴	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۰۵	۴/۹۲	1	۴/۹۲	مدل
>۰/۹۰	>۰/۸۵	>۰/۹۰	<۰/۰۸	<۵		P>۰/۰۵	نقاط برش قابل قبول

پس از برآورد پارامترها نوبت به اندازه‌گیری برازش مدل می‌شود که در این پژوهش شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)،^۱ تعدیل‌شده نیکویی برازش (AGFI)،^۲ ریشه خطاهای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA)،^۳ مجذور کای (χ^2)، درجه آزادی (df) و سطح معناداری (P-Value) گزارش شده است. جدول شماره ۳، شاخص‌های نیکویی برازش مدل پیش‌بینی عملکرد تحصیلی را نشان می‌دهد. مقدار ثابتی برای مطلوب بودن دو شاخص نیکویی برازش و تعدیل‌شده نیکویی برازش وجود ندارد، اما هرچقدر این مقادیر به عدد ۱ نزدیک‌تر باشند، مدل برازش مناسب‌تری دارد. با توجه به جدول شماره ۳، این دو

1. Goodness of Fit Index
2. Adjusted Goodness of Fit Index
3. Root Mean Square Error of Approximation

شاخص خوب هستند که گواه از برازش خوب مدل است. شاخص ریشه خطاهای میانگین مجذورات تقریب، نیز برای مدل‌های خوب از ۰/۰۵ کمتر است که با توجه به جدول، مدل پیشنهادی برازندگی خوبی دارد. آخرین شاخص مجذور کای (χ^2) می‌باشد که میزان تفاوت ماتریس مشاهده‌شده و برآورد شده را اندازه‌گیری می‌کند و عدم معناداری آن نشان‌دهنده برازش مناسب مدل می‌باشد. مجذور کای (χ^2) و نسبت آن به درجه آزادی، به قدر مطلق پس‌ماندها توجه دارد اما با توجه به حساسیت این شاخص به حجم نمونه و انحراف از فرض نرمال بودن چند متغیره، در موارد معناداری آن به شاخص دیگر مثل نسبت مجذور کای به درجه آزادی (خصوصاً برای حجم نمونه بیشتر از ۲۰۰)، ریشه میانگین مجذورات باقی‌مانده، تعدیل شده نیکویی برازش و یا شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب، مراجعه می‌شود (هومن، ۱۳۹۳). با توجه به مقدار شاخص‌های برازندگی مدل برای داده‌های حاصل از این پژوهش به‌خوبی برازش شده است و نتایج خوب است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی رابطه شرم از داشتن فرزند با اختلال یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری با نقش واسطه‌ای مشارکت والدین بود. بر پایه پژوهش دیسون، کودکان با ناتوانی یادگیری موجب گسترده‌ای از اثرات منفی شامل استرس خانوادگی، اختلاف والدین، بروز واکنش‌های منفی در اعضای خانواده، مشکلات در برقراری ارتباط با مدرسه می‌شوند (دیسون، ۲۰۱۰). شرم از داشتن فرزند با اختلال یادگیری نه تنها باعث کاهش مشارکت والدین دانش‌آموزان با اختلال یادگیری می‌شود بلکه عملکرد تحصیلی این دانش‌آموزان را نیز کاهش می‌دهد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر نیز رابطه بین شرم از داشتن فرزند با اختلال یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری مستقیم و معنادار به دست آمد که یافته‌ی مذکور با پژوهش‌های انجام‌شده (کیگان و همکاران، ۲۰۰۵، گلاهر و همکاران،

نقش واسطه‌ای مشارکت والدین در رابطه شرم از داشتن فرزند با...؛ نقش و همکاران | ۱۵

۱۹۹۵ و گری، ۲۰۰۲) همخوانی دارد. کیگان و همکارانش در پژوهش خود نشان دادند، نگرش والدین یک کودک با نارسایی‌های ویژه در یادگیری با والدین کودکان دیگر بسیار متفاوت است. این نگرش ممکن است به سه صورت نشان داده شود: والدینی که کودک را طرد می‌کنند یا نمی‌توانند بپذیرند که فرزند آن‌ها دچار مشکل است. این کودکان نه تنها در سازگاری با خود و ناتوانی خود بلکه در برقراری روابط خانوادگی و امنیت عاطفی نیز مشکلاتی خواهند داشت، والدینی که با مراقبت بیش‌ازاندازه، آموزش مداوم، شیوه‌های تربیتی و با این امید که توان یادگیری بالاتری در آن‌ها به وجود آورند، سعی در جبران بیش‌ازاندازه ناتوانی را دارند و والدینی که کودک و ناتوانی او را همان‌طوری که هست می‌پذیرند، ضمن اینکه به‌طور عادی به زندگی خانوادگی خود ادامه می‌دهند سعی می‌کنند با نیازهای اساسی این کودکان برخورد بهتری داشته باشند. به عبارتی والدینی که کودکان را مورد حمایت قرار می‌دهند در از بین بردن مشکلات کودکان با اختلال یادگیری به‌طور چشمگیری تأثیر می‌گذارند (کیگان و همکاران، ۲۰۰۵). همچنین، والدین کودکان با اختلال یادگیری گاهی در پذیرفتن کودکان و مشکلات آنان نیاز به همیاری دارند. گاهی باید به این والدین کمک کرد تا بپذیرند که بهبود یافتن کودک از ناتوانی خود یک فرآیند کند و تدریجی است که به زمان زیادی نیاز دارد. برخورداری از حمایت والدین به این کودکان کمک می‌کند با مشکلات درس، اجتماعی و عاطفی کمتری وارد جامعه شوند (گالاگهر، ۱۹۹۵). یکی دیگر از نتایج به‌دست آمده در پژوهش حاضر، رابطه مستقیم و معناداری بین مشارکت والدین و عملکرد دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری است. مشارکت والدین به مجموعه گسترده‌ای از رفتارهایی که والدین در مورد تجربیات آموزشی و یادگیری کودکان انجام می‌دهند، اطلاق می‌شود (هور، دمسی و ساندلر، ۱۹۹۷)، به‌طوری‌که از رفتارهای عام، چون سخت‌گیری والدین در مورد صبحانه خوردن کودک قبل از رفتن به مدرسه تا فعالیت‌های ویژه‌ای، همچون اعمال و اظهارنظر والدین پیرامون نحوه‌ی اداره‌ی مدرسه را می‌توان در زیر عنوان مشارکت والدین قرار داد. نتایج این مطالعه مبنی بر اهمیت مشارکت والدین در عملکرد کودکان با

اختلال یادگیری همسو با یافته‌های، وایلد و گریب، ۲۰۰۹ و ویتلر، ۲۰۰۹؛ دسفورگ و ابوچرا، ۲۰۰۳؛ امرسون، فییر، فاکس و ساندر^۲، ۲۰۱۲؛ هتی^۳، ۲۰۰۹؛ ایزو، ویسبرگ، کسپرو و فندریچ^۴، ۱۹۹۹؛ شاکر^۵، ۲۰۰۸؛ شلدون و اپستاین^۶، ۲۰۰۵؛ راجرز، وینر، مارتون و تانوک^۷، ۲۰۰۹؛ گنزالز، دیهاس، ویلمز و هولیبین^۸، ۲۰۰۵؛ گرونیک، رایان، دسی^۹، ۱۹۹۱؛ بندورا^{۱۰}، ۱۹۷۷ بهبودی ۱۳۸۷ است. نتایج این پژوهش هماهنگ با سایر پژوهش‌ها نشان داد که هر قدر والدین در مسائل مدرسه فرزندانشان بیشتر مشارکت داشته باشند، پیشرفت تحصیلی کودک افزایش می‌یابد، بنابراین افزایش مشارکت خانواده و مدرسه از پیش‌نیازهای یک برنامه مؤثر است که باید مورد توجه قرار گیرد. محققان دیگر نیز گزارش داده‌اند که، تعاملات والدین و فرزندان، به‌ویژه شیوه‌های تحریک‌کننده و پاسخگو والدین، تأثیرات مهمی بر پیشرفت تحصیلی کودک دارند (کریستین، موریسون و برایانت^{۱۱}، ۱۹۹۸؛ کمیته آموزش پانزدهم کودکی^{۱۲}، ۲۰۰۰). ویلیام و چاوکین (۱۹۸۹) نیز به این نتیجه رسیده‌اند که، چنانچه والدین در سطوح متفاوت مشارکت، مانند تصمیم‌گیری، کار داوطلبانه، کار با کودک در خانه و ... مشارکت داشته باشند، پیشرفت فرزندشان بیشتر است (هیل و کرفت^{۱۳}، ۲۰۰۳؛ بهبودی، ۱۳۸۷).

همچنین نتایج نشان داد که رابطه مستقیم و معناداری بین شرم از داشتن فرزند دارای اختلال یادگیری و مشارکت والدین دانش‌آموزان وجود دارد. این یافته با پژوهش (میلز و همکاران، ۲۰۰۷ و گری، ۲۰۰۲) همخوانی دارد. مشارکت والدین در امور مدرسه موجب

1. Desforges,, Abouchaar
2. Emerson, Fear, Fox & Sander
3. Hattie
4. Izzo, Weissberg, Kaspro & Fendrich
5. Sacher
6. Sheldon, & Epstein
7. Rogers, Wiener, Marton, & Tannock
8. Gonzalez-DeHass AR, Willems PP, Holbein MF
9. Grolnick, Ryan, Deci
10. Bandura A
11. Christian, Morrison, & Bryant
12. Committee on Early Childhood Pedagogy
33. Hill & Craft

نگرش مثبت والدین نسبت به خود، مدرسه و نقش کادر آموزشی در رشد و تربیت فرزندشان می‌شود (البرزی، ۱۳۸۲). از این رو، ایجاد نگرش سالم و سازنده در والدین و روحیه همکاری کردن آن‌ها با معلم کودک یکی از اهداف اساسی در آموزش کودکان است. از جمله موانع برقراری ارتباط مؤثر میان خانواده و مدرسه می‌توان به نگرش منفی (شرم‌زدگی و ناکامی و...؛ و انزوایی) والدین کودکان دارای نیازهای ویژه اشاره کرد که می‌توان از راه جلسات آموزش خانواده و جمع کردن والدینی که با یک مشکل مشابه درگیرند بر احساس انزوای آن‌ها غلبه کرده و فرصتی هرچند کوتاه برای برخورداری از حمایت اجتماعی فراهم نمود. البته اگر رده‌های آموزش خانواده و جلسات مشاوره و مددکاری از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار باشند، نگرش مثبت نسبت به آموزش و مدرسه در والدین ایجاد می‌شود و آن‌ها مشتاق خواهند شد تا روش‌های تربیتی درست را آموزش ببینند (بهبودی، ۱۳۸۷). همچنین باید توجه داشت که والدین به مطالب کاربردی نیاز دارند تا بتوانند در مواقع بروز مشکل از آن بهره‌مند شوند. در تبیین نتایج به‌دست آمده در این پژوهش می‌توان بیان کرد که این احتمال مطرح می‌شود که والدین دانش‌آموزانی که دارای شرم از داشتن فرزند با اختلال یادگیری بیشتری هستند، کمتر در امور تحصیلی فرزندان خود درگیر می‌شوند و این نیز به نوبه خود منجر به عملکرد ضعیف‌تر فرزندان آن‌ها می‌شود. به علاوه والدین دارای نگرش‌های منفی به داشتن فرزندان دارای اختلال یادگیری نمی‌توانند راهکارهای مناسبی برای حمایت، تشویق و یاری فرزندان خود در اختیار داشته باشند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود، دست‌اندرکاران جامعه و تعلیم و تربیت با ارائه آموزش‌های مرتبط این نگرش‌ها، راهکارها، حمایت‌ها و یاری‌ها را برای والدین با نگرش‌های منفی به داشتن فرزندان دارای اختلال یادگیری تدارک ببینند. همچنین مشاوره خانوادگی به والدین در پذیرش مشکل کودک، ایجاد همدلی با او و فراهم کردن محیطی مناسب و سودمند کمک می‌کند. مشاوره خانواده به صورت گروهی دارای محسنات زیادی است به والدین کمک می‌کند مشکل کودک را بپذیرند و در نتیجه قوت قلب آن‌ها را افزایش می‌دهد. والدین با

اضطراب شدید به این نتیجه می‌رسند که آن‌ها تنها والدینی نیستند که مشکلاتی از این قبیل دارند بلکه کسان دیگری هم هستند که با همین مشکلات روبرو هستند و توانسته‌اند راه‌حلی برای آن پیدا نمایند. شرکت در این گروه‌ها به والدین کمک می‌کند فرزندان خود را به‌طور متفاوت‌تری درک نمایند و برخورد مؤثرتری با آن‌ها داشته باشند. بحث‌های گروهی در زمینه مشکلات انضباطی، مهارت‌های ارتباطی، تغییر در رفتار، رشد مهارت‌های اجتماعی، کمک در پیدا کردن دوست، فرصت‌های درسی، شغلی و مانند آن راه‌حل‌های عملی برای آن‌ها فراهم می‌کند. از طرفی از آنجایی که نیازهای هر کدام از والدین ممکن است متفاوت باشد. بودن در کنار هم فرصتی برای شناخت نیازها، علایق متفاوت در اختیار آنان قرار می‌دهد. این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود. نتایج این پژوهش ممکن است در پایه‌های تحصیلی و گروه‌های سنی متفاوت تغییر یابند؛ از سویی این پژوهش بر روی دانش‌آموزان ابتدایی شهر تهران انجام گرفته است؛ که برای افزایش تعمیم نتایج تحقیق به کل دانش‌آموزان، استفاده از نمونه‌های آماری از مدارس و شهرهای دیگر، ضروری به نظر می‌رسد.

ORCID

Zahra Naghsh

 <https://orcid.org/0000-0001-6065-7838>

Zahra Ramezani

 <https://orcid.org/>

Khamisi

Samira Vakili

 <https://orcid.org/0000-0002-2419-5995>

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- البرزی، شهلا (۱۳۸۲). روش‌های نوین ارتباط والدین با مدرسه. قم: انتشارات پژوهشکده‌ی خانواده.
- بهبودی، هایده (۱۳۸۷). اهمیت مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه. *تعلیم و تربیت استثنایی*، شماره ۸۷، ۶۵-۷۰.
- بیرانوند، مراد (۱۳۸۶). *اختلالات یادگیری*. آدرس انتشارات: انتشارات معتبر.
- پورشهریاری، مه‌سیما (۱۳۸۸). بررسی رابطه شرم با ابعاد خشم و مقایسه آن در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۵، شماره ۳، ص ۲۷-۴۶.
- جلیل آبکنار، سیده سمیه و عاشورایی، محمد (۱۳۹۲). نکته‌های کاربردی برای آموزش دانش‌آموزان با اختلال یادگیری (اختلال در خواندن، نوشتن و دیکته). *تعلیم و تربیت استثنایی*، سال ۱۳، شماره ۳، پیاپی ۱۱۶، ص ۳۱-۴۰.
- عرفانی، نصرا.. (۱۳۷۶). بررسی تنوع اختلالات یادگیری در بین دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان کردستان. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، دوره ۱۳، شماره ۴، مسلسل ۵۶، ص ۵۹-۸۶.
- فرامرزی، سالار؛ تقی پور جوان، عباسعلی؛ دهقانی، مصطفی و مرادی، محمدرضا (۱۳۹۲). مقایسه‌ی سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزان با اختلال یادگیری. *جنتاشاپیر*، دوره ۴، شماره ۳، ص ۲۴۵-۲۵۴.
- کشاورز، سوسن (۱۳۹۱). خانواده و کودک با نیاز ویژه (تبیین نقش قبل از تولد و بعد از تولد). *تعلیم و تربیت استثنایی*، دوره ۱۰، ص ۵۷-۷۰.
- نقش، زهرا؛ قاسم زاده، سوگند و افضلی، لیلیا (۱۳۹۶). وضعیت اجتماعی-اقتصادی و عملکرد دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری: بررسی نقش واسطه‌ای مشارکت والدین. *توانمندسازی کودکان استثنایی*، دوره ۸، شماره ۲، ص ۶-۱۴.
- Arthure, A.R (2003). The emotional lives of people with learning disability. *British Journal of learning Disabilities*, 31, 25-31.
- Bandura A. (1977). Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change. *Psychological Review*, 84, 191-215.
- Bronfenbrenner, U. (1994). Ecological models of human development. *International Encyclopedia of Education*, 3, 37-43.
- Bryant,h, T, & Bryant, H.G, (1975). *Understanding lerning disabilities*. New York: Alfered pub. Co.

- Büttner, G., & Hasselhorn, M. (2011). Learning disabilities: Debates on definitions, causes, subtypes, and responses. *International Journal of Disability, Development and Education*, 58, 75–87.
- Christian, K., Morrison, FJ., & Bryant, FB. (1998). Predicting kindergarten academic skills: Interactions among child care, maternal education, and family literacy environments. *Early Childhood Research Quarterly*, 13, 501–521.
- Dyson, L. (2010). Unanticipated effects of children with learning disabilities on their families. *Learn Disabil Q*, 33(1), 43–55.
- Emerson, L., Fear, J., Fox, S., & Sander, E. (2012). *Parental engagement in learning and schooling: Lessons from research. A report by the Australian Research Alliance for Children and Youth (ARACY) for the family-school and community partnerships bureau*: Canberra
- Ferrel, J. (2012). *Family engagement and children with disabilities: A resource guide for educators and parents*. (Retrieved from file:///C:/Documents%20and%20Settings/samsung/My%20Documents/Downloads/FE-ChildrenWithDisabilities.pdf).
- Gillat, O., & Shaver, P. (2007). *Effects of attachment style and relationship context on selection among relational strategies*. *J Res Pers*, 41, 968–76.
- Gonzalez-DeHass, AR., Willems, PP., & Holbein, MF. (2005). Examining the relationship between parental involvement and student motivation. *Educational Psychology Review*, 17, 99–123.
- Gray, D. (2002). Everybody just freezes. Everybody is just embarrassed: Felt and enacted stigma among parents of children with high functioning autism. *Sociology of Health & Illness*, 24, 734–749.
- Grolnick, WS., Ryan, RM., & Deci, EL. (1991). Inner resources for school achievement: Motivational mediators of children's perceptions of their parents. *Journal of Educational Psychology*, 83, 508–517.
- Grolnick, W. S., Benjet, C., Kurowski, C., & Apostoleris, N. (1997). Predictors of parent involvement in children's schooling. *Journal of Educational Psychology*, 89, 538–548.
- Hattie, J. (2009). *Visible learning: A synthesis of over 800 meta-analyses relating to achievement*. New York, NY: Routledge.
- Hill, NE., & Craft, S.A. (2003). Parent-school involvement and school performance: Mediated pathways among socioeconomically comparable African American and Euro-American families. *Journal of Educational Psychology*, 96, 74–83.
- Hoover-Dempsey, K. V., & Sandler, H. M. (1997). Why do parents become involved in their children's education?. *Review of Educational Research*, 67, 3–42.

- Heerman, W., Taylor, J., Wallston, K., & Barkin, S. (2017). Parenting self-efficacy, parent depression, and healthy childhood behaviors in a low-income minority population: A cross-sectional analysis. *Maternal and Child Health Journal*, 21, 1156–1165.
- Izzo, C. V., Weissberg, R. P., Kaspro, W. J., & Fendrich, M. (1999). A longitudinal assessment of teacher perceptions of parent involvement in children's education and school performance. *American Journal of Community Psychology*, 27, 817–839.
- Jamshidi, A., & Naraghi, M. (2005). Evaluating and comparing The social skills in learning disabilities 8 th-12 th years and normal students in Tehran. *Research on Exceptional Children*, 5, 86-89. [Persian].
- Kafi, M., Zeinali, Sh., Khosrojauid, M., & Miahnahri, F. (2013). A comparison of behavioral characteristics and social development in children with and without learning Disability. *Journal of Learning Disabilities*, 2, 124-139. [Persian].
- Liu, T., Holmes, K., & Zhang, M. (2018). Better educational inclusion of migrant children in urban schools? Exploring the influences of the population control policy in large Chinese cities. *Asian Social Work and Policy Review*, 12, 54–62.
- Mehrotra, K., Manzur, S., Ooil, YP., Lim, CG., Fung, DSS., & Ang, RP. (2011). Prevalence of behavioral and emotional problems in children at risk for learning difficulties. *Abstracts of the 19th European congress of psychiatry*, 26, 316- 326.
- Mills, R. S. L., Freeman, W. S., Clara, I. P., Elgar, F. J., Walling, B. R., & Mak, L. (2007). Parent proneness to shame and the use of psychological control. *Journal of Child and Family Studies*, 16, 359–374
- National Advisory Committee on handicapped children, (1968). *SPECIAL EDUCATION For handicapped children*. Washington, D.C. U.S.A.
- Rogers, M. A., Wiener, J., Marton, I., & Tannock, R. (2009). Parental involvement in children's learning: Comparing parents of children with and without Attention Deficit/ Hyperactivity Dis-order (ADHD). *Journal of School Psychology*, 47, 167–185.
- Sacher, W. (2008). *Elternarbeit: Gestaltungsmöglichkeiten und Grundlagen für alle Schularten [Parental involvement: Scope for design and basic principles for all school types]*. Bad Heilbrunn: Klinkhardt.
- Shamim S. (2012). Compare social skills and behavioral problems in two groups of normal children with learning disabilities at home and school. *Journal of Psychology & Education*, 33. 121-138. [Persian].
- Soleymani S., Zahed Babolan, A., Farzaneh, J., & Setoudeh, MB. (2011). A comparison of alexithymia and the social skills in students with and without learning disorders. *Journal of Learning Disabilities*, 1, 78-93.

[Persian].

- Tangney, J.P., Stuewig, J., & Mashek, D.J. (2007). Moral emotions and moral behavior. *Annu. Re. Psychol*, 58, 345-372.
- Ting, L., Xiao, Z., & Yi J. (2019). Quarterly Family socioeconomic status and the cognitive competence of veryyoung children from migrant and non-migrant Chinese families: The mediating role of parenting self-efficacy and parental involvement. *Early Childhood Research Quarterly*, 51, 229–241
- Wittler, C. (2009). Lernlust statt Lernfrust: Evaluation eines Elterntrainings zur Förderung autonomieunterstützender Instruktionsstrategien im häuslichen Lernkontext [Learning pleasure rather learning frustration: Evaluation of parental training to promote autonomy- supportive instructional strategies at the context of home-based parental involvement]. Doctoral dissertation. Bielefeld University.
- World Health Organization (2015). *International statistical classification of diseases and related health problems 10th revision, (ICD-10) version 2015*.



استناد به این مقاله: نقش، زهرا، رمضان‌ی خمسی، زهرا، و کیلی، سمیرا. (۱۴۰۱). نقش واسطه‌ای مشارکت والدین در رابطه شرم از داشتن فرزند با اختلال یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری، روان‌شناسی افراد استثنایی، ۱۲(۴۶)، ۱-۲۲.

DOI: 10.22054/jpe.2022.65169.2401



Psychology of Exceptional Individuals is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.